

مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره سی ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۲-۴۶

بررسی مسئولیت‌های کیفی ناقلین بیماری‌های مسری در اثر سهل‌انگاری از منظر فقه امامیه با تأکید بر ویروس کرونا

زمان صندوقدار^۱ رضا عباسپور^۲ سید محسن رزمی^۳

چکیده

گاهی بیماری از میزان فردی بالاتر رفته و گسترش می‌یابد. این همه‌گیری ممکن است نامرتب و به دیدگاه زمانی نامنظم باشد (Sporadic) یا در گستره‌ی کم مثل یک شهر یا روستا (Outbreak) و گاه شیوع آن فراتر رفته منطقه یا کشوری را در برمی‌گیرد (Epidemics) و گاهی سطح شیوع آن جهانی می‌شود (Pandemic). مواجهه هریک از این موارد مستلزم تمهیدات متفاوت بهداشتی بوده و قواعد حقوقی و برنامه‌ریزی متفاوتی را ایجاب می‌کند. مقابله با بیماری در عرصه‌ی ملی نیاز به الگویی تشکیل شده از اقدامات هماهنگ، هدفمند و مشروع است. این الگو در ساختارهای پارادایمی و مبتنی بر بسیاری از اصول فلسفی و حقوقی و اخلاقی شکل می‌گیرد و متناسب با ساختار اجتماعی هر جامعه طراحی می‌شود.

آنچه برای طراحی الگو لازم است، تبیین حقوق و ارزش‌های پایه است که باید مورد حمایت قرار گیرد و دیگر تبیین غایت و هدف در انجام فعالیت‌ها و برنامه‌ها و طراحی فرایندهاست. همه اینها در یک وضعیت ذاتاً متغیر است؛ از همین رو به لحاظ اخلاقی و حقوقی پرسش مطرح این است که بیماری با خصوصیات کوید ۱۹ کدام حقوق انسانی را در معرض تهدید و خطر قرار داده است و دیگر اینکه با توجه به واگیردار بودن و شیوع واقع‌شده یا در حال وقوع، چه مجموعه رفتاری موجهی باید در قبال آن برای دستیابی به اهداف کنترل و تأمین سلامت صورت گیرد. طبق قاعده برای چنین الگویی اهداف گوناگونی نسبت به بیمار و بیماری ممکن است در نظر گرفته شود و بر همین اساس رفتارهای گوناگون نیز برای دستیابی به این اهداف متصور باشد. هنجارهای اخلاقی و حقوقی حدود رفتار را مشخص خواهد کرد. در نتیجه چه‌بسا در بدو امر اجرای برنامه یا رفتاری در مواجهه با بیماری مؤثر باشد، اما به لحاظ حقوقی و اخلاقی موجه نباشد. افزون بر این هرگونه رفتاری در چنین مواجهه‌ای به لحاظ امکانات و سبک زندگی مردم نیز باید ممکن باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفی، فقه امامیه، ویروس کرونا

^۱ دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) Abbaspor@yahoo.com

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

مقدمه

یکی از شاخه‌های بسیار مهم فقه و حقوق کیفری، جرائم بر ضد تمامیت جسمانی انسان است که بر اساس رکن روانی به سه نوع جرم عمدی، شبه عمدی و خطای محض تقسیم می‌گردد که مسئولیت ناشی از این جرائم به‌حسب نوع آن، متفاوت است. لازمه تحقق هریک از این جرائم، احراز انتساب آن به متهم است که تشخیص آن در برخی موارد به‌ویژه در جرائمی که به تسبیب واقع می‌شوند، امری دشوار، تخصصی و بسیار پیچیده است. آنگاه که کسی سنگی را به‌سوی دیگری پرتاب می‌کند و سنگ به فرد مورد هدف اصابت می‌نماید، احراز انتساب صدمه حاصل از پرتاب این سنگ به پرتاب‌کننده، روشن است، ولی در بسیاری از مصادیق جرائم بر ضد تمامیت جسمانی جنایت بر نفس و کمتر از نفس) احراز رابطه انتساب به‌وضوح و سادگی مثال سابق نیست. یکی از موارد دشوار احراز رابطه انتساب، جایی است که شخصی که به یک بیماری واگیردار و مسری مبتلا شده است، به جهتی مانند تماس با دیگری این بیماری یا ویروس را به او منتقل کرده و او را دچار آسیب می‌سازد. این آسیب گاه در سطح یک بیماری یا ویروس ساده بوده و به‌راحتی قابل درمان است مانند سرماخوردگی، ولی گاه بیماری سخت و شدید بوده و به دشواری و با هزینه بالا درمان می‌شود، گاه بیماری باعث نقص عضو یا منفعت می‌شود و گاه نیز باعث فوت می‌گردد مانند ویروس کرونا یا آنفولانزا. انتقال این بیماری یا ویروس گاه فقط از طریق تماس بی‌واسطه و گاهی از طریق تماس غیرمستقیم است؛ مانند تماس داشتن فرد با هر چیزی که بیمار مبتلا به ویروس قبلاً با آن تماس داشته است. همچنین انتقال این بیماری می‌تواند از طریق هوا یا با انتقال فرآورده‌های خونی فرد مبتلا باشد. در تمامی این فروض ممکن است شخص مبتلا از بیماری خود اطلاع داشته باشد یا خیر و نیز شخصی که بیماری به او منتقل شده است، خود، تدابیر و اقدامات ایمنی را رعایت کرده باشد یا خیر. در نوشته حاضر سعی بر آن است با بررسی ابعاد فقهی و حقوقی گوناگون مسئله انتقال بیماری یا ویروس واگیر، صرفاً به بررسی مسئولیت‌های کیفری ناقصین بیماری‌های مسری در اثر سهل‌انگاری از منظر فقه امامیه با تأکید بر ویروس کرونا پرداخته شود.

بر پایه منابع و نظرات فقهی و حقوقی مسئولیت ناشی از انتقال بیماری یا ویروس خطرناک مانند کرونا یا ایدز به دیگری، به مثابه ایراد صدمه به دیگری است و تحقق رابطه انتساب ممکن می‌باشد و براساس معیار و تعریف جنایت عمدی، شبه عمدی و خطای محض در فروض مختلف مسئله، رفتار فرد ناقل می‌تواند جنایت عمدی، شبه عمدی یا خطای محض شناخته شود. نقش عناصری چون علم ناقل از آسیب‌زا بودن بیماری یا ویروس، اطلاع او از ابتلای خود بیماری یا ویروس و امکان یا عدم امکان درمان تأثیری در اصل رابطه انتساب ندارد و فقط در نوع مسئولیت تأثیر دارد. البته اقدام فردی که بیماری یا ویروس به انتقال می‌یابد، با شرایطی می‌تواند این رابطه انتساب را قطع کند. اگرچه در مسئله مسئولیت ناشی از تعرض به تمامیت جسمانی افراد سه مبنای عدم جواز عمل، تعدی یا تفریط و انتساب در فقه امامیه وجود دارد، ولی قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی از مبنای سوم؛ یعنی رابطه انتساب پیروی کرده است و بر اساس نوع جنایت از عمد، شبه عمد و خطای محض فرد ناقل را مسئول می‌داند، ولی اثبات رابطه انتساب در مقام دادرسی در مسئله مسئولیت ناشی از ویروسی مانند کرونا، امری بسیاری سخت و تقریباً نشدنی است.

شیوع بیماری کرونا در عصر حاضر به‌عنوان یک تهدید علیه سلامت جسمانی و بهداشتی افراد تلقی می‌شود. بیماری کرونا علاوه بر اینکه یک بیماری نوع خطرناک و کشنده می‌باشد، سلامت افراد را نیز نشانه رفته است این بیماری همچنین نوعی بیماری واگیردار نیز محسوب می‌شود که قابل انتقال از فرد مبتلا به فرد سالم در صورت رعایت نکردن قواعد و چهارچوب‌های بهداشت فردی می‌باشد. فلذا به دلیل اهمیت سلامت مردم در یک جامعه، این را می‌طلبند که با پژوهش و بررسی قانونی، راهکارهایی را برای کاهش تلفات و میزان ابتلا به این بیماری را پیدا کنیم. یکی از سؤالات مهمی که در این خصوص مطرح است این می‌باشد که آیا با نظارت دقیق و برخورد

بررسی مسئولیت‌های کفیری ناقلین بیماری‌های مسری در اثر سهل‌انگاری از منظر فقه امامیه با تاکید بر ویروس کرونا / ۳۴

صحیح با ناقلین این بیماری می‌توان مانع افزایش تلفات انسانی و میزان ابتلا شد یا خیر؟ با توجه به اینکه برای احراز مسئولیت کفیری ناقلین این بیماری باید رابطه آگاهی داشتن ناقلین از قواعد و قوانین بهداشتی اثبات شود. فلذا در تحقیق پیشرو درصدد آنیم که با بررسی حقوق شهروندی و مواد قانون مجازات اسلامی ضمن اینکه به بیان مسئولیت کفیری ناقلان و منتشرکنندگان بیماری کرونا می‌پردازیم نیم‌نگاهی هم به رویکردهایی برای جلوگیری از گسترش این بیماری نموده و آن را بررسی کنیم.

۱- بیماری واگیردار

بیماری ناشی از یک عامل عفونی خاص یا فراورده سمی آن که در نتیجه انتقال مستقیم یا غیرمستقیم آن عامل یا فراورده‌های آن از طریق یک واسطه حیوانی یا گیاهی، ناقل و یا محیط غیرزنده از شخص یا حیوان آلوده

۱-۱- انواع انتقال بیماری‌های واگیردار

انتقال مستقیم رسیدن بدون واسطه و ضرورت فوری عامل عفونی را به محل ورودش در بدن که ممکن است منجر به ایجاد عفونت در انسان و یا حیوان گردد انتقال مستقیم گویند. این روش انتقال شامل: دست زدن، گاز گرفتن، بوسیدن، تماس جنسی، یا با پرتاب مستقیم قطرات کوچک به هنگام عطسه، سرفه، خروج آب دهان، خواندن و یا صحبت کردن (در فاصله یک متر باکتر) به ملتحمه چشم یا داخل بینی و دهان اتفاق افتد (فرحناز فولاد بند و همکاران، ۱۳۹۱).

۲-۱- انتقال غیرمستقیم

مواد و یا اشیاء آلوده از قبیل اسباب‌بازی - دستمال، البسه آلوده، وسایل خواب، ظروف غذاخوری، وسایل جراحی، آب، غذا، فراورده‌های بیولوژیک شامل خون، سرم، پلاسما، بافت و اعضا پیوندی یا هر ماده‌ای که وسیله رساندن و داخل کردن عامل عفونت به میزبان حساس از طریق محل ورود مناسب آن شود (فرحناز فولاد بند و همکاران، ۱۳۹۱)

۲- بیماری کرونا

بیماری کرونا نوعی بیماری واگیردار بوده که قابل انتقال در بین افراد می‌باشد؛ رکن اصلی این بیماری ویروس می‌باشد که سازمان بهداشت جهانی از این ویروس به‌عنوان ۲۰۱۹-nCoV یاد کرده است که در آن n به معنای جدید و CoV به معنی ویروس تاجی است. به‌طور کلی این ویروس نیز شبیه سندروم حاد تنفسی که سارس نامیده می‌شود است، اما به‌هیچ‌وجه یکسان نیستند. (هونگ، ۲۰۲۰)

۲-۱- علائم اصلی بیماری کرونا

با توجه به نوع کروناویروس، علائم می‌تواند از نشانه‌های سرماخوردگی عادی تا تب، سرفه، تنگی نفس و مشکلات حاد تنفسی باشد. همچنین بیمار ممکن است سرفه‌های چندروزه ظاهراً بدون دلیل نیز داشته باشد. کروناویروس مرس، برخلاف سارس، نه تنها دستگاه تنفس بلکه ارگان‌های حیاتی دیگر بدن مثل کلیه و کبد را نیز درگیر می‌کند. در موارد حاد مشکلات گوارشی نظیر اسهال، نارسایی حاد تنفسی، اختلالات انعقادی و نارسایی کلیه نیز گزارش شده است که این مورد می‌تواند بیمار را به همودیالیز نیازمند کند علائم کرونا ویروس جدید که منجر به بیماری کووید-۱۹ می‌شود، معمولاً چند روز پس از آلوده شدن فرد به ویروس شروع می‌شود. اما در بعضی افراد ممکن است علائم کمی دیرتر ظاهر شوند.

۲-۲ منشأ پیدایش کرونا ویروس

این نوع ویروس از بازار غذاهای دریایی و غذاهای عجیب و قریب مانند خوراک خفاش و مار درش هر ووهان چین شروع شده است که دغدغه همه‌گیری جهانی را ایجاد نموده است و در کمتر از یک ماه از شروع بیش از ۱۰۰ کشته بر جای گذاشته است. (اشرافی، ۱۳۹۸)

منشأ پیدایش کرونا ویروس در ایران در واپسین روز بهمن ۱۳۹۸، به دنبال فوت ۲ بیمار با عوارض تنفسی در بیمارستان کامکار - عرب نیا قم، شایعاتی درباره مرگ این بیماران به علت کروناویروس شکل گرفت. اما دانشگاه علوم پزشکی قم با تکذیب شایعات مربوط به مبتلا بودن این دو بیمار فوت شده به کروناویروس، اعلام کرد که تاکنون هیچ گونه شواهدی تشخیصی مبنی بر ابتلا به بیماری کرونا دیده نشده است. متعاقباً، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اظهار کرد که دو بیمار که در تاریخ ۲۸ بهمن از ترشحات ریه آن‌ها تست گرفته شده بود، در تاریخ ۳۰ بهمن نتیجه تست مثبت بود و این خبر بلافاصله طی ۴۵ دقیقه اعلام عمومی شد.

دیدگاه قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در زمینه بیماری کرونا: به گزارش خبرگزاری اقتصاد آنلاین و به نقل از مدیرکل پیشگیری‌های امنیتی و انتظامی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه؛ عدم رعایت توصیه‌های پیشگیری از شیوع ویروس کرونا به‌عنوان تهدید علیه بهداشت عمومی تلقی شده و قابل تعقیب کیفری است. وی از تحت تعقیب قرار گرفتن نقض‌کنندگان توصیه‌های پیشگیری از شیوع کرونا خبر داد و افزود: با توجه به امکان شیوع گسترده این ویروس در تجمعات انسانی چنانچه برگزارکنندگان نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های فروش و فروشگاه‌ها تدابیر لازم را برای پیشگیری از انتشار ویروس پیش‌بینی نکنند و به تذکرات وزارت بهداشت توجه نداشته باشند؛ با اعلام وزارت بهداشت یا دانشگاه‌های علوم پزشکی استان به اتهام تهدید علیه بهداشت عمومی و مطابق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شوند که مطابق قانون مزبور اقدام علیه بهداشت عمومی تا یک سال حبس دارد. مدیرکل پیشگیری‌های امنیتی و انتظامی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه ادامه داد: افرادی که با علم و اطلاع از مبتلا بودن به کرونا اقدامات پیشگیرانه مثل قرنطینه یا مراجعه به مراکز درمانی را انجام ندهند و موجب انتشار ویروس و ابتلای دیگران شوند نیز ممکن است مشمول مجازات مقرر قرار گیرند.

۴- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی را به طور کلی می‌توان به مجموعه‌ای از قوانین حاکم بر روابط اشخاص در یک جامعه‌ی شهری تعریف کرد. همین‌طور این حقوق تجزیه‌ناپذیر بوده و غیرقابل انتقال می‌باشد، به این سان که عناصر آن وابسته به یکدیگر هستند. نکته چشمگیر و اساسی این است که حقوق شهروندی به اشخاصی که تابعیت یک کشور داشته باشند، تعلق می‌یابد. همچنان باید گفت که حقوق شهروندی، به پیرو آن یک کشور جدای از اصل و نژاد، رنگ، قومیت، دین و طبقه‌شان تعلق می‌یابد. در صورتی که در کشورمان، مسلمان بودن شرط استفاده از حقوق شهروندی نمی‌باشد. حقیقتاً این حقوق، به خود، زیبایی و آراستگی ملی گرفته و به صفات و ویژگی‌های بیان شده هیچ‌گونه ارتباطی ندارند.

۴-۱- وظایف دولت ایران در قبال سلامت مردم بر اساس دیدگاه حقوق شهروندی

با بررسی‌های دقیق منشور حقوق شهروندی به این مهم دست پیدا می‌کنیم که دولت ایران موظف به فراهم کردن محیطی سالم برای زندگی بهتر شهروندان می‌باشد؛ به طوری که ماده ۱ این منشور به این مسئله تأکید دارد که شهروندان از حق حیات مستفیض می‌باشند و نمی‌توان این حق را از آن‌ها گرفت، مگر در چارچوب قانون. و یا در ماده دوم این منشور اظهار می‌کند که: شهروندان از حق زندگی درخور و مستحق و اسباب آن نظیر تغذیه‌ی مناسب، آب بهداشتی، بالا بردن سلامت، بهداشت محیط، درمان مستعد، دستیابی به دارو، اسباب و تجهیزات، خدمات و محصولات پزشکی، درمانی و بهداشتی مطابق با ضوابط دانش روز و استانداردهای ملی، وضعیت زیست محیطی سالم و مساعد به جهت ادامه زندگی برخوردارند. طبق تعاریف ذکر شده دولت ایران موظف است که با وضع قوانین و مقرراتی باعث کاهش و جلوگیری از ابتلا شهروندان به انواع بیماری‌ها شود.

۵- مفهوم مسئولیت کیفری

مسئولیت در معنی و مفهوم مقید بودن به انجام رساندن کاری آمده است و در مفهوم مسئولیت، همواره نوعی پیمان و التزام وجود دارد. در حقوق کیفری التزام به معنای قبول تبعات و پیامدهای رفتار مجرمانه می‌باشد. پس می‌توان گفت که مسئولیت کیفری عبارت است: قابلیت تحمل تبعات جزائی رفتار مجرمانه. (فرهی، ۱۳۹۴)

۵-۱- شرایط تحقق مسئولیت کیفری

ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی بر این مقرر است که مسئولیت کیفری در حدود، کیفر و تعزیرات تنها زمانی تحقق می‌یابد که شخص در هنگام ارتکاب جرم؛ عاقل، بالغ و غیرمقید باشد. پس طبق این ماده برای تحقق مسئولیت کیفری سه رکن لازم است که عبارت است از عقل، بلوغ و اختیار. (فرهی، ۱۳۹۴)

۵-۲- مسئولیت کیفری از دیدگاه مبانی حقوقی

۵-۲-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برابر با اصل ۴۰ قانون اساسی: هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد)

اصل فوق بهترین تعریف برای مسئولیت اشخاص بوده و به صراحت در خصوص مسئولیت کیفری اشخاصی اشاره دارد که حقوق دیگران را تضییع می‌کنند که این موضوع نمونه‌ی واضحی است برای نشان دادن این موضوع که ناقلین کرونا نیز طبق این اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل پیگیری و محاکمه هستند.

۵-۲-۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. فلذا با توجه به متن ماده فوق ترک فعل نیز باعث وقوع جرم می‌شود فلذا با بررسی و تشریح ماده ۲۹۵ از همین قانون درمی‌یابیم که هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است. بر اساس این تعریف ناقلین به بیماری کرونا در صورتی که از دستورات مقام قانون‌گذار مبنی بر رعایت چهارچوب‌های بهداشتی استتکاف کنند و تخطی ایشان باعث سرایت این بیماری به اشخاصی در جامعه شوند قابل محاکمه و پیگیری هستند.

۵-۲-۳- قانون مسئولیت مدنی

یکی از قوانینی که صراحتاً به نقض حقوق اشخاص می‌پردازد ماده یک قانون مسئولیت مدنی می‌باشد که طبق این ماده هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر

مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. بر اساس این ماده اگر شخص آلوده به این ویروس بدون رعایت موازین بهداشتی در جامعه حضور پیدا کند و باعث انتقال این بیماری به افراد سالم در آن جامعه شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. شخص در برابر خسارت و ضررهای وارد بر دیگران طبق قواعد فقهی امامیه مسئول است و به نظر می‌رسد طبق قواعد حقوقی و مواد قانونی علاوه بر جبران در صورت عمد مجازات می‌شود.
۲. این‌طور به نظر می‌رسد که شخص ناقل بیماری در موارد انتقال عمدی بیماری کشنده خویش مقصر بوده و مسئول است اما در صورت جهل و تقصیر ناشی از سهل‌انگاری مسئولیتی متوجه وی نیست.
۳. طبق مواد قانونی مانند ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی که درباره تهدید علیه بهداشت عمومی می‌باشد و قوانینی از این دست به نظر می‌رسد می‌توان مجازاتی برای شخص ناقل در نظر گرفت.

ذی‌نفعان

امید می‌رود نتایج این پژوهش مورد استفاده قضات، کارگزاران امور قضایی، دانشجویان رشته‌های حقوق و آحاد جامعه قرار گیرد

مبانی نظری

ویروس کرونا (کووید-۱۹)^۱ تقریباً در تمام کشورهای جهان جنبه فراگیری و عالم‌گیری به خود گرفته است و تمام ملت‌های جهان را تحت تأثیر خود قرار داده، میلیون‌ها نفر را مبتلا کرده، جان صدها هزار نفر را گرفته است و تقریباً اقتصاد جهان را مختل نموده و کشورها و ملت‌ها را از نظر سیاسی - اجتماعی به چالش کشیده است و به اصطلاح در حوزه اثرگذاری خود عدالت را رعایت کرده و همه کشورها و ملت‌ها را بدون توجه به نوع، غنا، جنسیت و سایر امور تبعیض آلود تحت تأثیر قرار داده است.

پیشینه تحقیق

- نیرانجان ماجهی (۲۰۲۰) در مقاله‌ای مروری تحت عنوان «جامعه‌شناسی عالم‌گیری کووید-۱۹»، تلاش دارد تا به امور مختلف اجتماعی‌ای که ویروس کرونا را به همراه داشته بپردازد. اگرچه او به اموری همانند خانواده و گوشه‌گیری، کار روزانه، کارگران کوچ‌کننده، جمعیت روستایی، جمعیت شهری، نخبگان، معتادان، پلیس، دکترها، بیمارستان‌ها، رسانه‌ها، واکسیناسیون و پزشکی، اثرات محیطی، اثرات اقتصادی، بخش کشاورزی، حیوانات خانگی، حمل‌ونقل و... می‌پردازد، مقاله فاقد قدرت تبیین‌کنندگی است و به نظر می‌رسد توصیفی از امور گوناگون باشد.
- اولانی ایوانزا (۲۰۲۰) در یک مقاله، تحت عنوان «اثرات اجتماعی - اقتصادی ویروس کرونا جدید: راه‌حل‌های خط‌مشی‌ای»، تلاش دارد تا به همه‌گیری و عارضه‌های ویروس کرونا نوظهور بپردازد و تبیین می‌دارد که این ویروس نه تنها تأثیری مستقیم داشته، لیکن اثرات غیرمستقیم و هزینه‌های را به همراه داشته است و ضمن بیان تأثیر تلویحات اقتصادی بر نظام‌های سلامت عمومی، به اثرات آن بر سفر، تجارت، عرصه‌ی کشاورزی، صنایع غذایی و بازارها می‌پردازد.
- فوکویاما (۲۰۲۰) در مطلبی در آتلانتیک به بررسی نوع واکنش‌های نظام‌های اقتدارگرا و دموکراتیک به چگونگی مواجهه با ویروس کرونا پرداخته است و معتقد است که چین به‌عنوان نماد یک کشور اقتدارگرا، ابتدا با جریان آزاد اطلاعات مقابله کرد و موجب تأخیر در واکنش به بیماری و تشدید آن شد. باین‌حال او واکنش دولت‌های دموکراتیک را نیز مناسب ارزیابی نمی‌کند.
- جودیو باتلر (۲۰۲۰) نیز در نقدی درباره شیوع کرونا در آمریکا و واکنش نظام سرمایه‌داری به آن، بسه نابرابری حاکم در جوامع می‌پردازد و بر اهمیت چگونگی دسترسی به خدمات بهداشتی در سطح عمومی، مبارزه با

فقر و تأمین اجتماعی تأکید می‌کنند و معتقد است که امروز ما با ویروسی روبه‌رو هستیم که به سرعت از مرزها عبور می‌کند و ایده سرزمین ملی را به فراموشی می‌کشاند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی بوده و از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات در آن به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

۶- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

با توجه به مراتب فوق و نظر به تصدیق فرد حقوقی، بحث در مورد مسئولیت این فرد مطرح می‌شود و اینکه اگر فرد حقوقی همانند فرد حقیقی به جرم مرتکب گردد، چه شخصی می‌بایست جوابگوی افعال یا ترک افعال مجرمانه باشد؟ برای نمونه اگر شرکت کلاه‌برداری انجام دهد مسئولیت جزایی آن به عهده چه کسانی یا چه اشخاصی می‌باشد و به فرض اگر مسئولیت کیفری افراد حقوقی را قبول کردیم، اعمال مجازات به چه صورت خواهد بود؟ در این مورد از منظر حقوقدانان دو نظریه نمایان گردیده است.

۱- اشخاصی که به نداشتن مسئولیت کیفری افراد حقوقی اعتقاد دارند.

۲- کسانی که به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی معتقدند.

آیا اشخاص حقوقی مثل شرکت‌ها داری مسئولیت کیفری هستند؟ آیا می‌توان اشخاص حقوقی را مثل اشخاص حقیقی در صورت ارتکاب جرم تعقیب و مورد مجازات قرار داد؟ قبل از بحث درباره موضع حقوق ایران به نظریه‌های موجود مبنی بر پذیرش یا عدم پذیرش این گونه مسئولیت می‌پردازیم.

نظریه اول: عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به دلیل عدم وجود اراده و اختیار قابلیت انتساب جرم به آن‌ها. دوم توجه قانون‌گذار در تشریح و وضع قوانین مجازات نشانگر عدم امکان این مجازات‌ها در مورد اشخاص حقوقی است.

واضعین این دکتین اعتقاد دارند، بحث مسئولیت کیفری افراد حقوقی دیگر امری غیرواقعی نبوده، لکن یک حقیقت قضائی را سازمان می‌دهد. افراد حقوقی به وسیله اعضای که واجد اراده و پشتکار آزاد (برای نمونه، اعضای هیأت مدیره یک شرکت) اداره می‌شوند که فرد حقوقی نیز تبعاً دارای چنین اختیاری است و می‌بایست جوابگوی کارهای خود باشد. بنابراین وی در صورت مرتکب شدن به جرم واجد مسئولیت جزائی می‌باشد. ولی درباره‌ی امکان ناپذیری اعمال مجازات‌هایی به مانند حبس، این بحث در انداره‌ای نبوده که همچون یک مانع اساسی محسوب گردد. بر اشخاص حقوقی، اگر نتوان مجازات سلب آزادی اعمال کرد، ولی می‌توان وی را محاط به جریمه‌ی نقدی و بلکه مجازات‌هایی مثل انحلال، که موجب از دست دادن موجودیت حقوقی و اعمال حق وی می‌شود؛ در نظر گرفت. بی‌چون و چرا اعمال مجازات آنان به مانند افراد حقیقی می‌باشد.

۷- مسئولیت کیفری در مواجهه با بیماری‌های مسری

مبتلا شدن به بعضی ویروس‌ها یا بیماری‌ها شاید در فاصله‌ی کوتاه یا زیاد از زمان دچار شدن، منجر به مرگ شخص مبتلا گردد. براین منظور این سوال مطرح می‌شود، شخصی که فردی را به این ویروس یا بیماری مبتلا می‌کند چه مسئولیتی دارد؟ آیا رفتار شخص منتقل‌کننده‌ی بیماری یا ویروسی مانند کووید ۱۹، همانند رفتار شخصی می‌باشد که به دیگری جراحت یا ضربه‌ای وارد می‌کند که منجر به مرگ او می‌گردد یا خیر، با آن متفاوت است؟ در اینجا اصل نسبت صدمه وارد شده به ناقل بیماری یا ویروس از منظر فقها آشکار می‌باشد؛ به طوری که در ادامه مبحث نمایان می‌گردد؛ از این رو در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در تصدیق و درستی همین نظر در ماده‌ی ۱۹۳ بیان داشته است که: در صورت وجود فاصله زمانی، بین رفتار مرتکب و نتیجه برآمده از آن، مانع از انجام جنایت نیست؛ مثل مرگ حاصل از انتقال عامل بیماری کشنده، که بنابر موضوع سبب قصاص یا دیه می‌باشد.

حکم این ماده و ماده ۹۹۲ همین قانون در مورد تمامی جرائم جاری است. گفتنی است اگرچه برخی پرسش‌های شرعی مورد استناد در پاسخ به سوال در مورد انتقال ویروس کووید ۱۹، اطلاع یا نداشتن اطلاع فرد مبتلا به کرونا ۲۰۱۹ از ابتلای خود می‌باشد؛ ولی فرقی ندارد که نوع ویروس کرونا باشد یا سایر بیماری‌های واگیردار؛ اما اگر فقها در رابطه با انتقال کووید-۱۹ که ویروسی کشنده است و فاصله‌ی میان ابتلای به آن و مرگ، فاصله‌ی طولانی باشد؛ نسبت و مسئولیت شخص ناقل به بیماری را بپذیرند به مراتب بالاتر، در مورد انتقال بیماری واگیردار یا ویروس دیگری که فاصله میان ابتلای به آن و وقوع صدمه - شامل مرگ یا نقص عضو و فایده‌ی کمتر است. انتساب و مسئولیت شخص ناقل مقبول می‌باشد و نیز در سوال از نقش آگاهی و اطلاع، مرکز ثقل سوال روی آگاهی شخص ناقل از توصیف وضعیت خود می‌باشد و تفاوتی به نوع بیماری یا ویروس ندارد؛ بر همین اساس این نظرهای فقهی درباره‌ی انتقال هریک از بیماری‌های ویروسی و واگیردار درخور نگرش و استناد است.

علاوه بر آن با توجه به روند رو به رشد بیماری‌هایی نظیر کرونا و وجود خطر جدی این قسم بیماری‌ها برای جامعه، وجود قوانین خاص در جهت مجازات بیماران بی‌مبالات و بی‌احتیاط و پیشگیری از انتشار آن‌ها به نظر ضروری می‌رسد. چراکه همان‌طور که در طی مباحث تحقیق گفته شد در قوانین ایران تنها تحت دو ماده قانونی که یکی ماده ۶۸۸ ق.م.ا می‌باشد

۸- بررسی تئوری‌های حاکم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

گفتار اول: فرضیه عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: طرفداران این فرضیه، فرض مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را فرضی غیرمنطقی و مخالف اصول و قواعد جاری در حقوق جزا می‌دانند. این فرضیه سازان بر این باورند که کسی را در حیطه حقوق جزا می‌توان مسئول دانست که دارای رگ و پوست باشد و تنها اوست که می‌تواند بار مسئولیت کیفری را بر دوش کشد. به نظر این عده درست است که قانون‌گذار بر این مؤسسات و تشکیلات اعتباری لفظ شخص استعمال نموده است ولی شخص در حقوق جزا تنها فرد انسان را شامل می‌شود و نه این اشخاص مجرد و اعتباری.

گفتار دوم: تبعیت اشخاص حقوقی از اصل تخصص: ایراد دومی که به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گرفته شده است ناشی از اصل اختصاصیت یا متخصص مشخص حقوقی است. به این مفهوم که اشخاص حقوقی باید در حدود هدفی که دارند و در اساسنامه و یا قانون تشکیل خود بدان تصحیح گردیده است، ابراز فعالیت نمایند و هیچ‌گاه بدان‌ها اعطاء شخصیت نشده است که در مقام ارتکاب جرم برآیند. معتقدین به این اصل تنها مورد محدودکننده شخصیت حقوقی شخص حقوقی را اصل اختصاصیت می‌دانند به نظر این عده تمام انواع اشخاص حقوقی اعم از عمومی و خصوصی تابع این اصل می‌باشند.

۹- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در حقوق جزای کشورهای جهان مسئله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. فقدان دکتین واحد و راهگشا در این زمینه، موجب شده است که قوانین کشورها و به تبع آن دادگاه‌ها رویه‌های متفاوت و گاه متضادی در برخورد با این مسئله اتخاذ نمایند و در نتیجه به افراط یا تفریط بگرایند؛ از بین قوانین جزایی کشورها، قانون جزای کوبا از لحاظ مقررات مربوط به مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی مقام ممتازی را دارد. قانون مزبور مجازات‌های پیش‌بینی شده در مورد اشخاص طبیعی را با مجازات‌های اشخاص حقوقی منطبق ساخته و علل آن را نیز ذکر کرده است. مثلاً به جای مجازات اعدام انحلال موسسه را تعیین کرده است.

۱-۹- بررسی جامع مسئولیت کیفری ناقلین بیماری کرونا از منظر قانون مجازات اسلامی

مطابق ماده ۴۹۳ قانون اسلامی وجود فاصله زمانی بین رفتار مرتکب و پیامد برآمده از آن جلوگیری از تحقیق جنایت نیست. مثل مرگ حاصل از انتقال میکروب کشنده که بنابر موضوع سبب قصاص یا دیه است. ماده ۴۹۲

بررسی مسئولیت‌های کیفری ناقصین بیماری‌های مسری در اثر سهل‌انگاری از منظر فقه امامیه با تأکید بر ویروس کرونا/ ۴۰

حکم این قانون راجع به تمامی جرائم جاری می‌باشد. انتقال بیماری نوعاً یا نسبتاً کشنده ممکن است در یک فرایند تدریجی که برخی مواقع نیز خیلی زود به نتیجه می‌رسد سبب مرگ فرد منتقل‌الیه شود. با توجه به این موارد جرائمی که به این شکل صورت می‌گیرد جزو جرائم مرتبط با تمامیت جسمانی فرد است که با توجه به عصر روانی و شدت ضرر و مهم‌تر اینکه نوعاً یا نسبتاً کشنده بودن و عوامل بیماری می‌توان انواع مختلفی از آن را ارائه نمود. بیماری‌های نوع کشنده بیماری‌های هستند که در صورت ابتلا هیچ راه درمانی برای آن‌ها وجود ندارد و قطعاً به مرگ منجر می‌شود. اما بیماری‌های نسبتاً کشنده بیمارهای هستند که با توجه به شرایط فردی، محیطی و ... ممکن است باعث مرگ فرد ابتلا شود آنچه که مهم است بررسی عنصر روانی اعمال انتقال بیماری واگیردار می‌باشد که آشکارکننده نوع قتل و در نتیجه تعیین‌کننده نوع و میزان واکنش قانون‌گذار در مقابل انتقال‌دهنده این بیماری‌هاست. قانون‌گذار در مواد ۲۹۰، ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی راهکارهایی کنی در رابطه با تعیین عنصر و توجه به قصد مستقیم و تبعی می‌باشد یا سبب مطرح نموده است. با توجه به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی قتل در سه صورت زیر عمدی محسوب می‌شود.

۱- مجرم قصد به قتل رساندن بزه دیده را داشته باشد اگرچه عمل وی همراه کشنده و مرگبار نباشد؛ این قصد به قصد مستقیم شناخته شده است. در مواردی که مرتکب نیت به قتل رساندن فردی را داشته باشد و بالفعل به دستاورد خود برسد بدون توجه به همواره مرگبار بودن رفتار، قتل عمدی به حساب می‌آید.

۲- عمل جانی مرگبار باشد (اگرچه قصد به قتل رساندن مجنی علیه (بزه دیده) را نداشته باشد) این گونه ارتکاب موجب تشکیل قصد تبعی نوعی قتل می‌گردد. بدینگونه فعل ارتكابی می‌بایست از چنان ویژگی‌هایی مستفیض باشد که در چارچوب آن قادر بود مجرمانه را مفروض محسوب نمود.

در تبصره ۱ ماده ۶۸۸ اسلامی مصوب ۱۳۷۶ مقدر شده که شناسایی اقدام در برابر بهداشت عمومی وظیفه‌ی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی می‌باشد برای تحقیق جرم مذکور شروط زیر لازم است.

۱- انجام کار و اعمال می‌بایست توأم با تهدید باشد یعنی لازم به بررسی نتیجه نیست.
۲- با نگرش به افعال متغیر که در صورت‌های ماده ۶۸۸ نام برده شده این اقدامات و افعال می‌بایست خردمندانه و آگاهانه باشد.

۳- اقدامات توأم با تهدید می‌بایست در برابر بهداشت عمومی شناخته شود.

۴- متابعت تبصره ۱ ماده ۶۸۸ شناسایی اقدامات در برابر بهداشت عمومی وظیفه‌ی وزارت بهداشت می‌باشد. همچنین با توجه به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (هرکس به شکلی گسترده مرتکب جنایت در برابر کلیات جسمانی اشخاص، توزیع مواد زهرآگین، میکروبی و مخاطره‌آمیز یا هم‌دستی در آن گردد به طوری که سبب اخلال شدید و شدید در نظم عمومی کشور یا ورود خسارت فراوان به کلیت جسمانی اشخاص در حد گسترده گردد مفسد فی‌الارض یا تباه‌کننده به حساب می‌آید و محکوم به اعدام می‌شود، بنابراین در مواقعی که فرد یا افرادی از یک گروه با انتشار و پخش وسیع آلات و ادوات به ویروس مسری مرگبار در سطح جامعه، تلاش در واگیردار کردن شمار بسیاری از اشخاص به این بیماری کشنده داشته باشند؛ ممکن است این اعمال باهدف و انگیزه‌ی تضعیف حکومت اسلامی و به وجود آوردن بحران زیاد به قصر سودآوری و تجارت گیرد می‌تواند از راه‌های مختلفی نظیر ابزار و مواد ضدعفونی‌کننده‌ی قلبی و آلوده یا ترویج مواد آرایشی مبتال به ویروس در کشور انجام گیرد می‌توان چنین افرادی را از باب (فساد فی‌الرض) به مجازات رساند. باید توجه داشت که از ارکان اصلی تحقق مسؤلیت جرم انتقال بیماری واگیردار صحت انتساب و استناد آن است که احراز آن در عمدی بودن و غیرعمدی و همراه با کوتاهی یا سستی، لازم و ضروری است.

۵- قانون شیوهی پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی و مسری طبق ماده ۲۲ قانون مذکور: افرادی که جلوگیری از اجرای مقررات و قوانین بهداشتی می‌شوند یا در خلال ناآگاهی موجب تکثیر یکی از بیماری‌های مسری می‌شوند به مدت ۸ روز الی مدت ۲ ماه حبس تأدیبی و مبلغی خدود ۵۱ تا ۵۰۰ هزار ریال و یا محکوم به یکی از این دو کیفر خواهند شد.

۶- جبران خسارت اگر از طریق حضور در اجتماع و ارتباط با اشخاص و ... ویروس خطرناک به شخص یا اشخاص دیگری انتقال یابد با توجه به شیوه‌های موجود در خصوص جبران خسارت، خسارت‌دیده چه حقوقی و طرف مقابل چه تکالیفی خواهند داشت.

۶-۱- جبران خسارت مادی مطابق ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی

در صورتی که در اثر صدمه‌ای که به بدن یا سلامتی فردی وارد شود و در بدن او نقصی ایجاد شود یا توان کار آسیب دیده کم شود و یا از بین برود و یا سبب بالا رفتن هزینه‌های زندگی او گردد؛ شخص واردکننده ضرر و زیان مسئول جبران و پرداخت تمامی خسارات نامبرده است. (روشن؛ صادقی ۱۳۹۰: ص ۱۲۵)

۶-۲- جبران خسارت بدنی حق تقاضای خسارت بدنی بر پایه‌ی اصل تکریم

حفظ جان و شرافت آدمی و تکالیف امره پیرامون آن است. لیکن آثار ضرر بدنی متفاوت است، که به تفکیک بیان می‌شود ۱- صدمه به سلامت و تمامیت جسمی: در این نوع خسارت، عناصر متعددی است که شامل هزینه‌های پزشکی، جراحی و دارویی می‌شود. ۲- فوت منفعت یا تقلیل آن: همان‌گونه که در مطالب پیشین آمد، به استناد ۵ و ۶ ق.م.ق همه خسارت‌های فوق مشمول هزینه است و می‌بایست به سود آسیب‌دیده، بسته به تأمین آن حکم داد. (روشن؛ صادقی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۵)

۶-۳- جبران خسارت معنوی مطابق ماده ۲۱ قانون مسئولیت مدنی

کسی که به ارزش و درستی فردی یا خانوادگی او صدمه واصل شود، می‌تواند از شخصی که صدمه زده است جبران ضرر مادی معنوی خود را بخواهد. هر وقت ارزش ضرر و نوع اشتباه ایجاد نماید دادگاه می‌تواند در صورت محرز شدن اشتباه افزون بر صادر کردن حکم به خسارت مالی حکم به از بین بردن ضرر از روشی دیگر از همانند اجبار به معذرت‌خواهی و الحاق حکم در جراید و امثال آن نماید. بنابراین فرد متضرر که بدون آگاهی از بیماری فرد مقابل بوده و آگاهی از ناقل بودن ویروس او نداشته است می‌تواند به سبب زیان‌های معنوی که به او وارد می‌شود اقامه دعوی کند و با توجه به مواد ۱، ۲ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی دادگاه باید نسبت به صدور حکم اقدام کند. در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز خسارت معنوی پیش‌بینی شده است. (روشن؛ صادقی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۵)

۱۰- بررسی مسئولیت‌های کیفری انتقال بیماری از منظر فقه امامیه

۱۰-۱- نخست: منجر به مرگ شدن بیماری یا ویروس

ابتلای به برخی ویروس‌ها یا بیماری‌ها شاید در یک بازه کم یا زیاد از لحظه‌ی ابتلا، منجر به مرگ شخص مبتلا شده گردد، بنابراین این پرسش مطرح می‌شود؛ شخصی که فرد دیگری را به این ویروس درگیر می‌کند؛ چه مسئولیتی در قبال آن دارد؛ آیا رفتار شخص انتقال‌دهنده ویروس مانند کووید-۱۹ همانند رفتار شخصی است که به دیگری جراحت یا ضربه‌ای وارد می‌کند که باعث مرگ او می‌گردد یا خیر، متفاوت با آن است؟ در اینجا اصل انتساب صدمه وارده به ناقل بیماری یا ویروس از نظر فقها محرز می‌باشد چنانکه در ادامه بحث روشن می‌گردد. لذا در تأیید همین نظر مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده‌ی ۴۹۳ مقرر داشته است:

وجود فاصله زمانی، بین رفتار مرتکب و نتیجه برآمده از آن، مانع از انجام جنایت نیست؛ مثل مرگ حاصل از انتقال عامل بیماری کشنده، که بنابر موضوع سبب قصاص یا دیه می‌باشد. حکم این ماده و ماده ۹۹۲ همین قانون در مورد تمامی جرائم جاری است.

بررسی مسئولیت‌های کیفری ناقصین بیماری‌های مسری در اثر سهل‌انگاری از منظر فقه امامیه با تأکید بر ویروس کرونا / ۴۲

گفتنی است اگرچه برخی پرسش‌های شرعی مورد استناد در پاسخ به سوال در مورد انتقال ویروس کووید ۱۹، اطلاع یا نداشتن اطلاع فرد مبتلا به کرونا ۲۰۱۹ از ابتلای خود می‌باشد؛ ولی فرقی ندارد که نوع ویروس کرونا باشد یا سایر بیماری‌های واگیردار؛ اما اگر فقها در رابطه با انتقال کووید-۱۹ که ویروسی کشنده است و فاصله‌ی میان ابتلای به آن و مرگ، فاصله‌ی طولانی باشد؛ نسبت و مسئولیت شخص ناقل به بیماری را بپذیرند به مراتب بالاتر، در مورد انتقال بیماری واگیردار یا ویروس دیگری که فاصله میان ابتلای به آن و وقوع صدمه - شامل مرگ یا نقص عضو و فایده‌ی کمتر است، انتساب و مسئولیت شخص ناقل مقبول می‌باشد و نیز در سوال از نقش آگاهی و اطلاع، مرکز ثقل سوال روی آگاهی شخص ناقل از توصیف وضعیت خود می‌باشد و تفاوتی به نوع بیماری یا ویروس ندارد؛ بر همین اساس این نظرهای فقهی درباره‌ی انتقال هر یک از بیماری‌های ویروسی و واگیردار درخور نگرش و استناد است.

اکنون که مجال انتساب آسیب وارد شده به ناقل بیماری با ویروس وجود دارد، این آسیب به ضرورت شرح ریشه‌ی روانی آن می‌تواند شامل یکی از بندهای مواد ۲۹۰ (جنایت عمدی) ۲۹۱ (جنایت شبه عمدی) ۲۹۲ (خطای محض) قانون مجازات اسلامی گردد. اگر ناقل به قصد اقتباس جنایت و به عمد و از روی آگاهی ویروس را منتقل کند یا از روی عمد ویروس همواره پرمخاطره را منتقل کند یا به صورت عمد ویروس را به فرد واجد بیماری زمینه‌ای که به طور کلی برای او وخیم و خطرناک است منتقل کند و جنایتی اتفاق بیفتد. جنایت عمدی محسوب می‌شود. و اگر ناقل بدون قصد اقتباس جنایت ویروس همواره غیر مخاطره‌آمیز را به شکلی عمد به شخصی منتقل کند و جنایتی پیش آید، جنایت شبه عمدی خواهد بود. و اگر ناقل بدون داشتن قصدی، ویروس را به فردی انتقال دهد و جنایتی اتفاق بیفتد، به این نوع، جنایت خطای محض گفته می‌شود، ولی در حقیقت با توجه به نظر کارشناسان، ویروس کرونا (کووید-۱۹) در بیش از ۸۰٪ موارد مشکل سخت و جدی برای فرد مبتلا به این ویروس ایجاد نمی‌کند و در ۲۰٪ دیگر نیز در حدود ۱۷ یا ۱۸٪ درصد خطر مرگ وجود ندارد؛ پس نمی‌توانیم آن را جز دسته از ویروس‌های کشنده بدانیم؛ از این رو انتقال به صورت عمدی آن بدون داشتن قصد قتل، نمی‌تواند شامل بند (ب) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی باشد.

گفتنی است خطرناک بودن بیماری یا ویروس به این معناست موجب مرگ یا نقص عضو یا منفعتی و لو موقت در انسان گردد.

اما به نظر می‌رسد در ارائه پاسخ تفصیلی به این سؤال باید فروض مختلف این بحث از قبیل علم و عدم علم فرد ناقل ویروس به کشنده بودن آن، اطلاع و عدم اطلاع فرد از ابتلای خود به این ویروس، وجود بیماری زمینه‌ای در منتقل‌الیه، نقش و اقدام فرد در مبتلا شدن یا اقدام فرد ثالث در برپایی اجتماع یا جمعی برای ارتباط فرد ناقل با منتقل‌الیه را از هم تفکیک کرد.

الف) علم و عدم علم به کشنده بودن ویروس

فردی که ویروس خطرناک را به دیگری منتقل می‌کند امکان دارد بداند که این ویروس خطرناک است و یا چنین علمی نداشته باشد که وجود این علم یا عدم آن می‌تواند روی نوع مسئولیت او تأثیرگذار باشد.

ب) اطلاع و عدم اطلاع از بیماری

از آنجایی که آلودگی به برخی بیماری‌ها و ویروس‌ها مانند کرونا ممکن است تا مراحل پیشرفت، علائم ظاهری نداشته باشد امکان دارد فردی که موجب انتقال ویروس می‌شود از آلوده بودن خود یا وسیله به ویروس آگاه باشد یا نباشد که مسئولیت کیفری او در صورت آگاهی و عدم آگاهی متفاوت می‌باشد. در فرض آگاه بودن، جنبه‌های مختلف بحث و پاسخ آن، همانی است که در قسمت قبل بیان شد؛ اما در فرض ناآگاه بودن فرد ناقل، این بحث طرح می‌شود که چه مسئولیتی متوجه او می‌شود که سه نظر درباره آن بیان شده است؛ عدم استناد قتل به او (ر. ک:

آیت‌الله‌العظمی محمد فاضل لنکرانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۳۰۹، خطای محض (ر. ک: آیات عظام محمدتقی بهجت و حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۳۰۹) و شبه عمد (ر. ک: آیات عظام سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و ناصر مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۳۰۹).
به نظر می‌رسد در انتقال مثل ویروس کرونا موارد متفاوت باشد. چنانچه شخصی که نمی‌داند مبتلا به ویروس کروناست، اگر رفتاری ارادی نسبت به دیگری انجام دهد مثلاً دست آلوده خود را به سر و صورت دیگری بکشد و او را به ویروس مبتلا کند یعنی قصد فعل نسبت به مجنی علیه را داشته ولی قصد جنایت نسبت به او را نداشته باشد؛ در این صورت جنایت واقع شده شبه عمدی است چون مشمول بند الف ماده ۲۹۱ ق. م. ا. است.

ج) امکان یا عدم امکان درمان

یکی از پرسش‌های مطرح درباره مسئولیت کیفری ناقل ویروس یا بیماری، تأثیر امکان یا عدم امکان درمان و جلوگیری از پیشرفت این بیماری در مسئولیت وی است که از نظر فقهای معاصر، امکان یا عدم امکان آن تأثیری در حکم ندارد (آیات عظام بهجت، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و حسین نوری همدانی، گنجینه آرای فقهی قضایی، سؤال کد ۱۷۹).

د) اقدام منتقل الیه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر این بحث، نقش فرد منتقل الیه در انتقال ویروس به اوست. به عنوان مثال اگر فردی دستورالعمل‌های بهداشتی در برقراری ارتباط با دیگران را رعایت نکند و درحالی که نباید با فرد مبتلا ارتباط داشته باشد با او ملاقات نماید یا باید پس از ارتباط با دیگران یا تماس با اشیا دست و صورت خود را بشوید و دست خود را به لب، چشم و بینی خود نزنند اما این امور را رعایت نکرده است و در نتیجه ویروس از فرد مبتلا به وی منتقل شده است، آیا در چنین صورتی نیز فرد انتقال‌دهنده ویروس یا بیماری واگیر مسئول است یا خیر؟
بر مبنای قاعده اقدام و تحذیر به نظر می‌رسد که مسئولیتی بر عهده کسی نیست. چونکه اگر اخطار لازم داده شده باشد و شخصی برای بی‌توجهی به اخطار و با آگاهی از اتفاق، خودش را در معرض آن قرار دهد خودش تباه است.

دوم: ایجاد صدمه کمتر از قتل

در بسیاری از موارد فردی که توسط دیگری مبتلا به بیماری ویروسی شده است نمی‌میرد بلکه دچار صدماتی چون نقص عضو یا منفعت می‌شود یا هزینه‌های درمان را بر فرد تحمیل می‌کند. در این حالت این سؤال مطرح می‌شود که مسئولیت فرد ناقل بیماری یا ویروس چیست؟ در پاسخ به این سؤال، سه نظر از سوی فقهای معاصر شیعه ارائه شده است؛

أ. برخی بر فرض عمدی بودن انتقال ویروس، معتقدند که حکم ایراد صدمه عمدی را دارد؛ یعنی حکم آن قصاص مادون نفس است اما به جهت عدم امکان قصاص، دیه جایگزین قصاص می‌شود.
ب. نظر بعضی نیز بر این است اگر بیماری مه‌ار شود و منجر به قتل نگردد ناقل ویروس باید در برابر نقصان‌های حاصله آرش بدهد.
ج. عده‌ای از فقها معتقدند که فرد ناقل ویروس ضامن عیب و نقص ایجاد شده در فرد منتقل الیه و مخارج دوره بیماری وی است.

گفتنی است موضع قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ایجاد صدمه کمتر از قتل، همان است که در قتل بیان شده است. زیرا در مواد مورد اشاره تعبیر جنایت بکار رفته است که شامل قتل و کمتر از آن می‌شود. همین‌طور، قتل ناشی از انتقال بیماری یا ویروس واگیر، در صدمات کمتر از نفس ناشی از انتقال بیماری یا ویروس واگیر نیز صادق و حکمش همان است.

سوم: فوت شخص ناقل پیش از فوت منتقل‌الیه

از آنجاکه در چنین مواردی امکان دارد در فاصله انتقال بیماری یا ویروس فرد ناقل بیماری یا ویروس فوت کند، لذا این سؤال پیش می‌آید که آیا با فوت او پرونده بسته می‌شود یا مسئولیت تبدیل می‌گردد. سه نظر در این باره بین فقهای معاصر بیان شده است؛

ا. اگر استناد محقق باشد در فرض انتقال عمدی یا شبه عمدی ویروس، دیه باید از مال ناقل پرداخت شود و در فرض خطای محض، دیه بر عهده عاقله است.

ب. نظر دیگر بر این است در فرض عمدی بودن انتقال ویروس، حکمش قصاص است که با فوت ناقل، قصاص منتفی گردید و در فرض شبه عمدی، دیه در مال ناقل و در فرض خطای محض، دیه بر عاقله می‌باشد.

ج. در هر سه فرض عمد، شبه عمد و خطای محض دیه از اموال ناقل پرداخت می‌شود. ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره اثر مرگ مرتکب در تغییر مسئولیت در جنایت عمدی مقرر داشته است:

هر زمان در جنایات عمدی، به دلیل مرگ یا فرار، دسترسی به فرد مرتکب امکان‌پذیر نباشد با درخواست ذیحق، از اموال مرتکب دیه جنایت پرداخت می‌شود و اگر شخص مرتکب اموالی در اختیار نداشته باشد؛ بابت قتل عمد، اولیای دم می‌تواند دیه را از نزدیکان و خویشاوندان قاتل بگیرند و در صورت نبود نزدیکان و خویشاوندان (عاقله) یا نداشتن دسترسی به آنان یا عدم توانایی آن‌ها به پرداخت، دیه از طریق بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود. در صورتی که پس از دریافت دیه، دسترسی به شخص مرتکب جرم، اعم از قتل و غیر قتل، امکان‌پذیر شود و چنانچه که دریافت دیه به منظور گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص، بنابر موضوع برای اولیای دم یا مجنی‌علیه محفوظ می‌باشد، زیرا می‌بایست قبل از قصاص، دیه گرفته شده را بازگرداند.

عدم دسترسی به مرتکب به علت مرگ در این ماده شامل مرگ مرتکب قبل فوت مجنی‌علیه و بعد از آن، هر دو می‌شود. لذا در مسئله مورد بحث، دیه از اموال مرتکب و اگر اموالی نداشته باشد، از عاقله او و در صورت نبود خویشاوندان یا نداشتن دسترسی به آن‌ها یا عدم توانایی در پرداخت، دیه از طریق بیت‌المال پرداخت می‌شود. اما در صورتی که انتقال ویروس مصداق جنایت شبه عمدی باشد و مرتکب قبل از مجنی‌علیه فوت کند، ماده ۴۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است:

در جنایات شبه عمدی، چنانچه که به علت مرگ یا فرار دسترسی به مرتکب جرم نباشد، دیه از اموال یا دارایی او گرفته می‌شود و چنانچه دارایی فرد کفاف ندهد، از طریق بیت‌المال پرداخت می‌شود.

همین‌طور، در صورتی که انتقال بیماری یا ویروس مصداق جنایت خطای محض باشد و مرتکب قبل از مجنی‌علیه فوت کند، ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است:

در جنایات خطای محض، در شرایطی که پرداخت دیه بر عهده شخص مرتکب است؛ اگر به دلیل مرگ یا فرار، دسترسی به او امکان‌پذیر نباشد دیه از دارایی‌های او پرداخت می‌شود و چنانچه مرتکب اموالی در اختیار نداشته باشد دیه از طریق بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ظاهراً نظر قانون‌گذار در این مسئله با هیچ‌یک از سه نظریه فقهی مطرح‌شده تطبیق کامل ندارد.

نتیجه‌گیری

ما در این مقاله با بررسی بیماری کرونا دریافتیم که در این نوع بیماری در صورت رعایت چهارچوب‌های بهداشتی میزان ابتلا و همچنین آمار تلفات در کشور به نحو محسوسی کاهش می‌یابد فلذا این مسئله ما را ترغیب به تحقیق و مطالعه جهت پیدا کردن راهکارهایی برای رعایت این چهارچوب‌ها کرد. ما با بررسی دقیق قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران نظیر قوانین اساسی، قوانین مدنی، قوانین مجازات اسلامی و قوانین حقوق شهروندی توانستیم

مصادق‌هایی برای مسئولیت کیفری ناقلین بیماری کرونا به دست آوریم. از آنجایی که مسئولیت کیفری به معنا و مفهوم قابلیت تحمل تبعات جزائی رفتار مجرمانه می‌باشد فلذا با عنایت به مواد منشور حقوق شهروندی، اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و سایر مواد ذکر شده در این مقاله به این نتیجه مهم دست می‌یابیم که دولت علاوه بر این که حافظ حق حیات مردم در جامعه است. همچنین می‌تواند به دلیل وجود مصادیق جرم آسیب رساندن به نفس و حق حیات مردم در قوانین کیفری و مدنی ایران ناقلین کرونا را به مجازات‌هایی محکوم کند. با توجه به اینکه مصادیق عام در قانون‌های مدنی و کیفری جمهوری اسلامی ایران در خصوص این مقاله به‌وفور یافت می‌شود. لکن به نظر می‌رسد به دلیل خاص نبودن این قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران و همچنین دستگاه‌های مربوطه نمی‌توانند برخورد لازم را با متخلفین در این زمینه انجام دهند فلذا در این مقطع زمانی یکی از مهم‌ترین اموری که دولت و مجلس جمهوری اسلامی ایران بر عهده دارد وضع قوانین مختص به این بیماری می‌باشد که باعث برخورد قاطع و جدی با ناقلین این بیماری می‌شود. پیشنهاد می‌شود پس از وضع قوانین و مقررات خاص در خصوص ناقلین بیماری کرونا، این قوانین به‌صورت کامل و جامع به آگاهی مردم برسد تا علاوه بر فرهنگ‌سازی در جامعه حس رعب آرم مجازات باعث رعایت قوانین و مقررات و چهارچوب‌های بهداشتی در میان مردم گردد.

بر مبنای منابع و نظرات فقهی و حقوقی مسئولیت ناشی از انتقال ویروس مخاطره‌آمیز مثل ایدز یا کرونا-۲۰۱۹ به دیگری همانند ایراد صدمه به دیگری است و تحقق رابطه انتساب ممکن می‌باشد و بر اساس معیار و تعریف جنایت عمدی، شبه عمدی و خطای محض در فروض مختلف مسئله، رفتار فرد ناقل می‌تواند جنایت عمدی، شبه عمدی یا خطای محض شناخته شود. نقش عناصری چون علم ناقل از آسیب‌زا بودن بیماری یا ویروس، اطلاع او از ابتلای خود بیماری یا ویروس و امکان یا عدم امکان درمان تأثیری در اصل رابطه انتساب ندارد و فقط در نوع مسئولیت تأثیر دارد. البته اقدام فردی که بیماری یا ویروس به انتقال می‌یابد با شرایطی می‌تواند این رابطه انتساب را قطع کند. اگرچه در مسئله مسئولیت ناشی از تعرض به تمامیت جسمانی افراد سه مبنای عدم جواز عمل، تعدی یا تفریط و انتساب در فقه امامیه وجود دارد اما قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی از مبنای سوم یعنی رابطه انتساب پیروی کرده است و بر اساس نوع جنایت از عمد، شبه عمد و خطای محض فرد ناقل را مسئول دانسته است. لیکن اثبات رابطه انتساب در مقام دادرسی در مسئله مسئولیت ناشی از ویروسی مانند کرونا امری بسیاری سخت و تقریباً نشدنی است.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ بیست و چهارم.
- اشرفی، دکتر مرتضی (۱۳۹۸)، کرونا ویروس جدید؛ خطر بالقوه، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۷۰۶، زمستان.
- اصفهانی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص - جنایات)، انتشارات میزان، چاپ هشتم.
- بهجت، محمدتقی (۱۶۲۸ق)، استفتائات؛ قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.
- حسان پور، سیدرضا (۱۳۸۷)، «ایدز و حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی؛ تابستان، ص ۱۳۷ - ۱۸.
- حسینی مراغی (۱۶۱۷ق)، سید میر عبد الفتاح العنابین الفقهیه؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۶۱۳ق)، قواعد الأحکام؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، تحریر الوسیله؛ قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، ص ۸.
- روشن، محمد؛ صادقی، محمد، (۱۳۹۲)، ضمان ناشی از انتقال بیماری جنسی، فصلنامه فقه پزشکی، سال سوم، شماره ۱ و ۳.
- شیروانی، علی، (۱۳۸۴)، ترجمه و تبیین شرح لمعه، انتشارات دار العلم، تهران، جلد ۱۴.
- فرحی، بابک، (۱۳۹۴). مختصر حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نوین اندیشه، تابستان.
- فولادبند، فرحناز و همکاران، (۱۳۹۱)، کتب آموزش بهورزی - بیماری‌های واگیر، تدوین امور بهورزی معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲- قانون مسئولیت مدنی ۳- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران ۵- قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار ۱۱۹۲
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، جلد اول، چاپ هشتم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم.
- محمودی، عباس، (۱۳۸۸)، حقوق جزای پزشکی، انتشارات حقوقی، تهران.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۶)، جرائم علیه اشخاص، انتشارات میزان، تهران،
- هونگ، جان ون، (۲۰۲۰)، دستورالعمل عمومی پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونای جدید (کوئید-۱۹).
- Dictionary of the Social Sciences (2003). Unique Genome. <https://www.oxfordreference.com>
- Emirbayer, M., Desmond, M. (2015). The Racial Order. Chicago, IL: University of Chicago Press
- Fukuyama, F. (2020). Totalitarianism as a Mindset Can Be Anywhere. TheAmerican Interest. <https://www.the-american-interest.com>
- Giddens, A. (1990). Sociology, A brief but critical introduction. 2th edition, byMacmillan
- Giddens, A. (1991). Modernity and Self-identity: Self and Society in the LateModern Age. Stanford University Press.